

سبک زندگی و هویت ملی

(مطالعه موردی: دانش آموزان دبیرستان‌های شهر شیراز)

* بیژن خواجه‌نوری

** سمیه هاشمی

*** علی روحانی

E-mail: Bkhaje@rose.shirazu.ac.ir

E-mail: hashemi.somye.65@gmail.com

E-mail: aliruhani@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۸۹/۹/۶

تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۷/۲۰

چکیده

مفهوم هویت ملی یکی از مفاهیم حساس و بسیار مهم در عرصه مطالعات سیاسی و اجتماعی است و در دهه‌های گذشته به‌طور نسبتاً وسیع با رویکردهای مختلف مورد کنکاش علمی قرار گرفته است. اما عمده مطالعات انجام شده این مفهوم را با توجه به نظریه‌های مرتبط با دوران دولت - ملت و به‌طور دقیق‌تر پیش از مطرح شدن مباحث جهانی‌شدن مورد توجه قرار داده‌اند. این مطالعه سعی دارد تا ضمن توجه به مطالعات و نظریات پیشین، هویت ملی را در عرصه فرایند جهانی‌شدن مورد مطالعه قرار دهد. از آنجا که این فرایند ابعاد مختلفی را در بر می‌گیرد، مطالعه حاضر به بررسی رابطه سبک زندگی به‌عنوان پدیده‌ای مدرن و مرتبط با فرایند جهانی‌شدن با هویت ملی پرداخته است. در جمع‌آوری اطلاعات از روش پیمایشی استفاده شد و پرسشنامه‌ای که شامل سؤالات زمینه‌ای، رفتاری و نگرشی دانش‌آموزان مقطع متوسطه شهر شیراز بود، ارائه گردید. اطلاعات مورد نیاز با شیوه نمونه‌گیری تصادفی نظام‌مند از یک نمونه ۴۳۵ نفری از دخترها و پسرهای دبیرستانی به دست آمد. نتایج تحقیق نشان دهنده آن است که متغیرهای سبک‌های مذهبی و هویت بدن بر روی هم نزدیک به ۱۹ درصد تغییرات هویت ملی را تبیین می‌کنند.

کلیدواژه‌ها: سبک زندگی، هویت ملی، اوقات فراغت، جهانی‌شدن، مدیریت بدن، فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی.

* استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز، نویسنده مسئول

** دانشجوی کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی گردشگری دانشگاه تهران

*** دانشجوی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز

مقدمه

هویت از نظر لغوی به معنای هستی، ماهیت است و موجب شناسایی و تمایز هر فرد از دیگری می‌شود. هویت در اصطلاح علمی آن، به معنای چیستی‌شناسی یا کیستی‌شناسی است و برای بار نخست در روان‌شناسی و توسط اریکسون به کار برده شد (میرمحمدی، ۱۳۸۳: ۷). بعدها این مفهوم وارد سایر رشته‌های علوم انسانی گردید. البته هر کدام از این رشته‌ها با دیدگاه خاص خود، «کیستی» فرد را مورد بررسی قرار داده‌اند که این امر سبب توجه به ابعاد گوناگونی از هویت از جمله هویت فردی، گروهی، ... شده است (دوران، ۱۳۸۷: ۷).

این ابعاد در شبکه‌ای از هویت ریشه دارند و در طول زمان در حال دگرگون شدن و بازسازی هستند (معینی‌علمداری، ۱۳۸۳: ۳۱). با توجه به رابطه بسیار پیچیده و چند لایه‌ای هویت فردی و ساختار اجتماعی، می‌توان آن را ویژگی‌های منحصر به فردی دانست که بر اساس آن، چیزها یا افراد شناخته می‌شوند. هویت داشتن یعنی همانند دیگران بودن در یک گروه و همانند خود بودن در گذر زمان نسبت به افراد گروه یا افراد خارج از گروه خودی (رجایی، ۱۳۸۳: ۶۷؛ گل محمدی، ۱۳۸۳: ۲۲۴). برای کاستلز^۱ نیز هویت فرایند ساخته شدن معنا بر پایه یک ویژگی فرهنگی یا یک دسته ویژگی‌های فرهنگی که بر دیگر منابع معنا برتری دارند، می‌باشد (پرووس^۲، ۲۰۰۴: ۱).

به‌طور کلی در تعریف هویت می‌توان گفت: «هویت عبارت از مجموعه خصوصیات و مشخصات اساسی اجتماعی، فرهنگی، روانی، فلسفی، زیستی و تاریخی همسان است که به رسایی و روایی بر ماهیت یا ذات گروه، به معنای یگانگی یا همانندی اعضای آن با یکدیگر، دلالت کند و آنها را در یک ظرف مکانی و زمانی معین به‌طور مشخص و قابل قبول و آگاهانه از سایر گروه‌ها و افراد متعلق به آنها متمایز سازد» (الطایی، ۱۳۸۲: ۱۳۹). جامعه یک نظام کل است که از مجموعه‌ای فرهنگ‌های محلی و منطقه‌ای شکل گرفته که خرده نظام‌های فرهنگی آن تلقی می‌شوند. انسجام نهایی جامعه محصول ارتباط منظم میان این خرده نظام‌ها و همچنین ارتباط نظم یافته هر یک از این خرده نظام‌ها با کل نظام است. جامعه ایران نیز از این امر مستثنا نیست. ایران کشوری متنوع و دارای پیکره‌ای موزائیکی است. اقوام ایرانی در سرتاسر مرزهای ایران مستقر شده‌اند. برای اجرای کارکردهای کل نظام، هر کدام از این خرده نظام‌ها باید نقش‌ها خود را در

1. M. Castells

2. Peter Prevos

قبال کل نظام و متقابلاً نظام در قبال آنها انجام دهد، اما ما شاهد نقص‌هایی در کل نظام و خرده نظام‌ها هستیم (نوح و تقوی‌نسب، ۱۳۸۶: ۱۴۲).

در چنین بستری و بعد از دهه هشتاد میلادی، با گسترش فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی نظیر ماهواره، اینترنت و گسترش شبکه‌های ارتباطی در جهان، فرهنگ مدرن در جهان گسترش پیدا کرد. با فرایند جهانی شدن، شبکه‌های ارتباطی و ماهواره‌ها با اینکه فرایند یکسان‌سازی فرهنگ جهانی را دنبال می‌کردند (خواججه‌نوری و مقدس، ۱۳۸۴: ۶)، اما در عین حال موجب خلق تمایزات گوناگون میان مردم شدند. افراد با ایجاد تمایز، سعی در متفاوت نشان دادن خود از دیگری داشتند. این امر با مصرف کردن کالاهای مادی و معنوی نمود عینی‌تری به خود گرفت و ادبیات جدیدی تحت عنوان سبک زندگی وارد عرصه جامعه‌شناسی شد (اباذری، چاوشیان، ۱۳۸۱: ۶).

انتخاب نوع خاصی از سبک زندگی منجر به شکل دادن حوزه فردی و عمومی هر فردی می‌شود (خواججه‌نوری و مقدس، ۱۳۸۸: ۱). سبک‌های متفاوت زندگی رفتارهای افراد را تغییر داده و افراد پیوسته بر اثر آن بر فرایند خود و نگرش از خود نظارت می‌کنند و حتی آن را تغییر می‌دهند. امروزه با ظهور مدرنیته و خلق تمایزات اجتماعی از طریق مصرف، الگوهای مصرف متفاوت و به تبع آن سبک‌های گوناگون زندگی، منبعی برای تعریف و بازتعریف هویت‌های جدید در افراد شده‌اند. به باور بوردیو^۱ موقعیت اجتماعی مشابه، ذائقه و سبک زندگی مشابهی می‌آفریند و الگوهای مصرف فرهنگی، طبقات اجتماعی مختلفی را بازتولید و نشانه‌گذاری می‌کنند (بوردیو، ۱۹۸۴: ۱۷۵).

طولانی شدن دوره جوانی، رواج شیوه‌های جدید رفتار اجتماعی برای پرکردن فضای زندگی، فردی شدن، اهمیت یافتن سیاست زندگی بر اساس ترجیحات سبک‌های زندگی متفاوت برای جوانان از جمله زمینه‌های اصلی‌ای هستند که شرایط جدیدی را پیش روی جوانان قرار داده‌اند. تحولات فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی علاوه بر تأثیر بر ذوق، سلیقه و نیاز ارتباطی جوانان، گذراندن اوقات فراغت، نگرش به خود و جامعه و میزان هویت ملی آنها را نیز تحت تأثیر قرار داده است. دو فرایند رسانه‌ای شدن و خانگی شدن توصیف‌کننده گذران بخش عمده‌ای از فراغت جوانان در جوامع مدرن است. جوانان فراغت خود را پیش از پیش در خلوت سپری می‌کنند و برای سرگرم شدن به طور فزاینده‌ای به رسانه‌های جدید متکی هستند و از اجتماع و جامعه خود به نحوی دور هستند (ذکایی، ۱۳۸۳: ۲).

1. P. Bourdieu

در چنین فضای اجتماعی، علاوه بر سبک‌های متفاوت زندگی که توسط جوانان انتخاب می‌شود، فرایند جهانی‌شدن نیز موجب تغییر در منابع هویتی و هویت‌گزینی آنان شده است. بدین معنا که بعضی متفکرین بر این نظرند که جهانی‌شدن هویت ملی افراد را تقویت می‌کند (اسکلر^۱، ۱۹۹۹: ۳۲۲؛ ساساکی^۲، ۲۰۰۴: ۶۹) و عده‌ای نیز معتقدند که جهانی‌شدن منجر به توجه به علایق خصوصی به جای متغیرهای کلانی همانند هویت ملی شده است (ادواردس و سن^۳، ۲۰۰۴: ۱). بدین منظور بررسی سبک‌های متفاوت زندگی و رابطه آن با هویت ملی دانش‌آموزان در بستری که شرح داده شد بسیار ضروری به نظر می‌رسد.

هدف اصلی این مقاله، شناخت عوامل مرتبط با هویت ملی در دانش‌آموزان مقطع متوسطه شهر شیراز می‌باشد. در واقع با ورود به دنیای مدرن و تغییر ارزش‌ها و نگرش‌های افراد و تأثیر روزافزون رسانه‌های گروهی داخلی و خارجی بر همه ابعاد زندگی، سبک‌های جدیدی از زندگی در زمینه‌های مختلف از جمله در حوزه ورزش، هنر، اوقات فراغت و... به وجود می‌آید. به دنبال آن افراد در آنها مشارکت کرده و زندگی خود را بر پایه آنها تفسیر و تعریف می‌کنند. لذا این تغییرات و تحولات به دنبال خود تبعاتی در پی دارند، زیرا با تغییر محیط و سبک زندگی افراد، قیاس‌های اجتماعی و ارزیابی‌های جدیدی اهمیت می‌یابند، که از آن جمله می‌توان به ظهور سبک‌های زندگی جهان‌وطنی اشاره کرد. پژوهش‌های تجربی انجام گرفته نیز نشان‌دهنده این موضوع هستند که شاخصه‌های نوگرایی در شهر شیراز به مراتب بیش از مناطق پیرامون آن می‌باشد (خواجه نوری و مقدس، ۱۳۸۴: ۵؛ خواجه نوری، ۱۳۸۶: ۱؛ خواجه‌نوری و مقدس ۱۳۸۸: ۱؛ خواجه‌نوری و مقدس ۱۳۸۵: ۴۵؛ خواجه‌نوری ۱۳۸۷: ۱۳۱). در نتیجه این فرایند لزوم بررسی و تحقیق بیشتر در زمینه سبک‌های مختلف زندگی و تأثیر آن بر هویت ملی آشکار می‌شود. در نتیجه این مقاله در پی فهم این موضوع است که آیا انتخاب سبک‌های جدید زندگی توسط دانش‌آموزان، هویت ملی آنها را تحت تأثیر قرار می‌دهد یا خیر؟

از جانب دیگر با توجه به جمعیت جوان جامعه آماری و با نگاه به این موضوع که شهر شیراز، کلان‌شهری با بیش از یک میلیون جمعیت می‌باشد، بررسی سبک‌های متفاوت زندگی رایج در میان دانش‌آموزان و رابطه‌ای که آنها با هویت ملی دارند، موضوعی بسیار پر اهمیت می‌باشد که با شناخت رابطه بین این دو عامل می‌توان

1. Sklair

2. Sasaki

3. Edwards & Sen

عواملی که منجر به تقویت یا تضعیف هویت ملی می‌شوند، شناخت و در نتیجه در برنامه‌ریزی‌های اجتماعی مورد استفاده قرار داد.

ادبیات پژوهش

در ایران در خصوص هویت ملی تا حدودی مطالعات نظری و تجربی انجام شده است که در بسیاری از موارد شبیه به یکدیگر می‌باشند. در خارج از ایران مطالعات فراوانی در این زمینه به چشم می‌خورد. از سوی دیگر در حوزه سبک‌های زندگی مطالعات انجام شده اغلب در حوزه‌های نظری بوده و کمتر به آزمون تجربی این فرایند دست زده‌اند. همچنین بررسی نظری و تجربی رابطه سبک‌های زندگی و هویت ملی چندان مورد توجه قرار نگرفته است. در اینجا در ابتدا به بررسی مطالعات انجام شده در داخل کشور که به نحوی می‌تواند راه‌گشای مطالعه حاضر باشند، پرداخته و سپس به بررسی مطالعات انجام شده در خارج از کشور می‌پردازیم.

یافته‌های برخی از مطالعات نشان دهنده رابطه مثبت بین هویت‌های ملی و قومی می‌باشند (احمدلو و رضایی، ۱۳۸۴: ۱۰۹؛ حیدری، ۱۳۸۳: ۱۱۳؛ ربانی و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۳۷؛ رضایی و همکاران، ۱۳۸۶: ۱۱۹؛ احمدلو و افروغ، ۱۳۸۱: ۱۰۹؛ توسلی و قاسمی، ۱۳۸۱: ۳؛ مقدس‌جعفری و همکاران، ۱۳۸۷: ۹۷؛ فکوهی و آموسی، ۱۳۸۸: ۴۵). اما برخی از مطالعات نشان می‌دهند که بین این دو متغیر رابطه منفی وجود دارد (رودریگز^۱ و همکاران، ۲۰۱۰: ۲۳۴). برخی بر رابطه منفی بین محرومیت و یا احساس محرومیت نسبی تأکید گذاشته‌اند (ربانی و همکاران، ۱۳۸۶؛ ۱۳۸۸: ۱۳۷؛ کوانزا^۲، ۲۰۰۹: ۸۵۱).

برخی از تحقیقات نشان دهنده آن است که فرایند جهانی شدن و فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی و اطلاعاتی مرتبط با آن (مانند اینترنت، ...) با هویت سنتی افراد و بالاخص هویت ملی آنها رابطه منفی داشته و به تضعیف هویت ملی و گرایش به هویت‌های فراملی دارد (خواجه‌نوری، ۱۳۸۵: ۱؛ حافظ‌نیا و همکاران، ۱۳۸۵: ۱؛ یونگ‌لستون^۳ و دیگران، ۲۰۰۱: ۳۱؛ هلد و مک‌گرو، ۱۳۸۲: ۱۵۹؛ لانگمن^۴، ۲۰۰۳: ۲۲۳). اما برخی معتقدند که فرایند جهانی شدن با فراهم نمودن امکانات (از طریق فناوری) به فرهنگ‌های محلی کمک نموده است که به تجدید و کشف سنت و عرض اندام فرهنگی بپردازند (بشیریه، ۱۳۷۹: ۲۸۷؛ هونگ‌لاداروم^۵، ۲۰۰۲: ۲۴۱).

1. Liliana Rodriguez
2. Quenza

3. Youngelson
4. Langman

5. Hongladarom

برخی بین مذهب و هویت ملی رابطه معنی داری یافته‌اند (جونز و اسمیت^۱، ۲۰۰۴: ۱۰۳؛ کورت^۲ و عباس^۳، ۲۰۱۰: ۱۴۵). برخی دیگر بین ورزش و هویت ملی رابطه معنی دار مثبتی یافته‌اند (بیرنر^۴ و هوانگ^۵، ۲۰۱۰: ۱؛ آلین^۶، ۲۰۱۰: ۱؛ سیپال^۷، ۲۰۰۹: ۱۴۳). برخی بین متغیرهای جمعیتی و خانوادگی و هویت ملی رابطه معنی دار مثبت یافته‌اند (عبداللهی و حسین‌بر، ۱۳۸۱: ۱۰۱؛ عبداللهی، ۱۳۷۴: ۱۲۵).

مطالعات دیگری نیز وجود دارند که بر عوامل دیگری که بر هویت ملی اثر می‌گذارند، پرداخته‌اند. برای مثال رزازی‌فر (۱۳۷۹) به رابطه دو عنصر پایبندی ملی و تعهد ملی به‌عنوان شاکله هویت ملی؛ قاسمی‌یار (۱۳۸۳) بین خاص‌گرایی و هم‌چنین ویژگی‌های اجتماعی و جمعیت‌شناختی دانش‌آموزان با میزان هویت ملی؛ اکبری و عزیزی (۱۳۸۶) بر احساس تعلق به جامعه، نوع رویکرد به غرب، مشروعیت نظام سیاسی و فردگرایی؛ دوفن^۸ (۲۰۱۰) بر تاریخ و آموزش شهروندی؛ برگر^۹ (۲۰۰۹) بر نقش تاریخ و اسطوره‌ها؛ بیدن^{۱۰} (۲۰۰۹) و ویلر^{۱۱} (۲۰۰۰) به نقش رسانه و مخصوصاً تلویزیون، ازل^{۱۲} و همکاران (۲۰۰۳) به نقش نخبگان و دانشجویان، دیوید^{۱۳} و بارتال^{۱۴} (۲۰۰۹) به متغیرهای روان‌شناسی اجتماعی تأکید داشته‌اند.

مبانی نظری تحقیق

شلدون استرایکر^{۱۵} بر ساختار اجتماعی و سلسله مراتب برجستگی هویت تأکید می‌کند و معتقد است هویت بخشی از خود است و ساختار اجتماع را با فرد ترکیب می‌کند، یعنی هویت یک پیوند حیاتی میان فرد و ساختار اجتماعی می‌باشد. هویت‌ها در درون یک سلسله مراتب برجستگی سازماندهی می‌شوند و هویت‌هایی که در این سلسله مراتب، از جایگاه بالاتری برخوردارند، برجسته‌تر می‌شوند.

وقتی یک موقعیت کنش متقابل از الزامات ساختاری دور می‌شود، یا اینکه آن الزامات مبهم می‌شوند، افراد گزینه‌های بیشتری برای انتخاب هویت پیدا می‌کنند و بنابراین احتمال اینکه افراد بیشتر از یک نوع هویت را به کار ببرند و برجسته کنند، بیشتر می‌شود. برای مفهومی کردن پیوند میان فرد و ساختار، استرایکر از مفهوم تعهد

1. Jones & Smith
2. Court
3. Abbas
4. Bairner
5. Hwang

6. Allain
7. Sewpaul
8. Doppen
9. Berger
10. Beeden

11. Wheeler
12. Ezell
13. David
14. Bar-tal
15. Sheldon Stryker

استفاده می‌کند. در واقع تعهد اشاره به درجه‌ای است که براساس آن رابطه‌ی شخص با دیگران بر اساس افرادی با هویتی خاص تعیین می‌شود. هر چه وابستگی فرد به این افراد بیشتر باشد تعهد او به یک هویت بیشتر خواهد بود و این هویت در سلسله مراتب برجستگی هویت فرد از جایگاه بالاتری برخوردار می‌شود (ترنر، ۲۰۰۳: ۳۷۵).

از نظر گیدنز^۱ هویت عبارت از خود شخص است، آن طوری که شخص از خودش تعریف می‌کند. هویت انسان در کنش متقابل با دیگران ایجاد می‌گردد و در جریان زندگی، به‌طور پیوسته تغییر می‌کند. هیچ کس دارای هویت ثابتی نمی‌باشد. هویت، سیال و همواره در حال ایجاد شدن و عوض شدن است (گیدنز، ۱۳۷۸: ۱). به دلیل پویایی جوامع امروزی و همچنین به علت تکثیریابی زمینه‌های عمل و تنوع «مراجع»، انتخاب سبک زندگی بیش از پیش در ساخت هویت شخصی و فعالیت روزمره اهمیت می‌یابد (گیدنز، ۱۳۷۸: ۲۱).

به نظر گیدنز هویت فردی و اجتماعی در جهان امروزی تحت تأثیر پدیده‌ی نسبتاً جدیدی به نام جهانی‌شدن قرار گرفته است. جهانی‌شدن موجب می‌شود تا سلطه‌ی حاکمیت ملی به نحوی تضعیف شود. وی بر آن است که فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی جزء جدایی‌ناپذیر فرایند جهانی‌شدن می‌باشند (گیدنز، ۱۳۸۰: ۸۹) این فناوری‌ها موجب شده‌اند تا علی‌رغم تلاش‌های فراوان دولت‌های ملی، گردش اطلاعات به نحو چشمگیری در اسرع وقت انجام گیرد. در حوزه‌ی فرهنگی که در ارتباط تنگاتنگ با سایر حوزه‌ها و از جمله فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی است، دگرگونی‌های وسیعی رخ داده و در حال رخ دادن هستند.

امروزه به دلیل توسعه‌ی فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی نوین، مردم از عادت‌ها و رفتارهای فرهنگی سایر جوامع مطلع گردیده و در تعاملات فرهنگی خود که به نحوی آن را می‌توان فرهنگ‌پذیری نامید، بسیاری از رفتارهای دیگران را به درجات مختلف اخذ کرده و جایگزین و یا با تولیدات فرهنگی خود ترکیب می‌کنند. بنابراین به دلیل فرایند جهانی‌شدن برای جوامع مختلف و به درجاتی که تحت تأثیر این فرایند قرار گرفته‌اند این امکان وجود دارد تا نوع رفتارهای فرهنگی خود را خودشان انتخاب کنند. این پدیده‌ی جدید که به نظر گیدنز در دوران مدرنیته به وقوع پیوسته است، مبحثی را باز می‌کند که گیدنز آن را «سبک‌های زندگی» می‌نامد و در دوران جهانی‌شدن از اهمیت

1. Giddens

زیادی برخوردار می‌باشد. به باور وی سبک زندگی را می‌توان به مجموعه‌ای کم و بیش جامع از عملکردها تعبیر کرد که فرد آنها را به کار می‌گیرد، چون نه فقط نیازهای جاری او را بر می‌آورند، بلکه روایت خاصی را هم که وی برای هویت شخصی خود برگزیده است در برابر دیگران مجسم می‌سازند (گیدنز، ۱۳۷۸: ۱۱۹).

امروزه، هر چه نفوذ سنت کمتر می‌شود و زندگی روزمره بیشتر بر حسب تأثیرات متقابل عوامل محلی و جهانی بازسازی می‌گردد، افراد بیشتر ناچار می‌شوند تا سبک زندگی خود را از میان گزینه‌های مختلف انتخاب کنند. به باور گیدنز، تحول سبک‌های زندگی و دگرگونی‌های ساختاری مدرنیته به واسطه بازتابندگی به یکدیگر گره می‌خورند و به دلیل گشودگی زندگی اجتماعی امروزی و کثرت زمینه‌های کنش و منابع، انتخاب سبک زندگی برای ساختن هویت شخصی به طور فزاینده‌ای اهمیت می‌یابد (گیدنز، ۱۳۷۸: ۸۸ و ۱۱۹).

چارچوب نظری تحقیق

اوقات فراغت [به‌عنوان بخشی از سبک زندگی] با سایر جنبه‌های سبک زندگی دارای روابط روشنی است. اگر اهمیت اوقات فراغت و فرایند شکل‌گیری هویت در طول نوجوانی را مورد توجه قرار دهیم، می‌توانیم رابطه بین این دو را پیش‌بینی کنیم. بسیاری از پژوهشگران رابطه بین مشارکت در اوقات فراغت و رشد و توسعه هویت^۱ را در طول دوره نوجوانی مورد مطالعه قرار داده‌اند (کیول و کلیبر، ۲۰۰۰: ۲۱۵؛ مانسون و ویدمر، ۱۹۹۷: ۱۹۰؛ شاو، کلیبر و کالدول، ۱۹۹۵: ۲۴۵). بسیاری از پژوهشگران پذیرفته‌اند که اوقات فراغت و به‌طور کلی‌تر سبک‌های زندگی نقش مهمی در شکل‌گیری هویت، بازی می‌کنند (باربر و دیگران، ۲۰۰۵: ۱۸۵؛ دورکین و دیگران، ۲۰۰۳: ۱۷؛ هاگارد و ویلیامز، ۱۹۹۱: ۱۰۳؛ ۱۹۹۲: ۱؛ کیول و کلیبر، ۱۹۹۹: ۲۱۵). به نظر می‌رسد که «نظریه تصدیق»^۲ می‌تواند ما را به درک سازوکار تأثیرگذاری سبک زندگی بر هویت، رهنمون سازد. در این نظریه بیان می‌شود که افراد تصویرهای خودشان را از طریق بازخورد^۳ دریافت شده از رفتار خود و دیگران شکل می‌دهند (کمپبل^۴، ۲۰۰۷: ۲۱). همچنان‌که هاگارد و ویلیامز بیان می‌کنند از طریق مشارکت در اوقات فراغت، افراد قادر می‌شوند که هویت خود را تأیید و تصدیق کنند (هاگارد و ویلیامز، ۱۹۹۱: ۱۰۳، ۱۹۹۲: ۱) و توانایی نشان دادن

1. Identity development
2. Affirmation theory

3. Feedback
4. Campbell

هویت خود به دیگران را پیدا می‌کنند (باربر و دیگران، ۲۰۰۵: ۱۸۵؛ هاگارد و ویلیامز، ۱۹۹۲: ۱). هویت هر فرد را می‌توان به دو بخش فردی (شخصی) و اجتماعی تقسیم کرد. هویت اجتماعی شامل ابعاد مختلفی اعم از هویت‌های مذهبی، قومی و ملی می‌شود. هر یک از این هویت‌ها تحت تأثیر عوامل مختلفی در سطوح مختلف اجتماعی (کلان - میانه - خرد) در حال دگرگونی و باز تولید می‌باشند. یکی از عوامل مهم دگرگونی هویت‌ها از جمله هویت ملی فرایند نوگرایی و جهانی‌شدن نوگرایی می‌باشد. هر چند مفهوم جهانی‌شدن به‌طور گسترده‌ای در مطالعات اجتماعی مورد استفاده قرار گرفته است اما تاکنون تعریف واحدی از آن که مورد پذیرش همگان باشد، ارائه نشده است (برری^۱، ۲۰۰۸: ۳۲۸). رابرتسون در خصوص فرایند جهانی‌شدن بر این باور است که «جهانی‌شدن فرایندی طولانی، نامتوازن و پیچیده است» (رابرتسون، ۱۳۸۲: ۳۹). وی در تعریف جهانی‌شدن به مفهوم فشردگی جهان که ناشی از وابستگی متقابل مناطق به یکدیگر و هم‌چنین در سطح بین‌المللی است اشاره دارد. خصیصه اصلی ایده جهانی‌شدن این مسئله است که بسیاری از مشکلات معاصر کنونی به گونه‌ی بسنده نمی‌تواند در سطح دولت‌های ملی مطالعه شوند. به بیان دیگر نمی‌توان بسیاری از مسائل جهان معاصر در چارچوب یک کشور و یا روابط بین کشورها مورد مطالعه قرار داد و همچنان که اسکالر می‌گوید بسیاری از مسائل معاصر را باید در سطح جهانی^۲ و بر حسب فرایندهای جهانی مفهوم‌سازی شوند (اسکلر، ۱۹۹۹: ۱۴۳). گیدنز بر این باور است که جهانی‌شدن را می‌توان به‌عنوان تشدید روابط اجتماعی جهانی تعریف کرد، همان روابطی که موقعیت‌های مکانی دور از هم را چنان به هم پیوند می‌دهند که هر رویداد محلی تحت تأثیر رویدادهای دیگری که کیلومترها با آن فاصله دارند، شکل می‌گیرد و برعکس. این یک فرآیند دیالکتیکی است، زیرا یک چنین رخدادهای محلی ممکن است در جهت معکوس همان روابط دور دستی که به آنها شکل می‌بخشند، حرکت کنند (گیدنز، ۲۰۰۱: ۲۴۵).

آن کوتکوویچ و داگلاس کلنر^۳ اصطلاح جهانی‌شدن را برای توصیف فرآیندهایی مورد استفاده قرار می‌دهند که اقتصاد جهانی، نیروهای سیاسی و فرهنگی به سرعت کره زمین را زیر نفوذ قرار می‌دهند و به خلق یک بازار نوین جهانی، سازمان‌های سیاسی فراملی نوین و فرهنگ جهانی تازه‌ای می‌پردازند. به باور آنها، دورنمای جهانی‌شدن،

1. Berry

2. Global

3. Cvetkovich, Ann & Kellner, Douglas

توسعه بازار جهانی سرمایه‌داری، زوال دولت ملی، گردش پرشتاب‌تر کالا، مردم، اطلاعات و شکل‌های فرهنگی است (اردلان، ۱۳۷۹: ۴۸۱).

تعاریف کوتکوویچ و داگلاس کلتر حاکی از فرسایش حاکمیت دولت‌های ملی، مهاجرت‌های جهانی و مانند آنها است. در تعریف گیدنز و رابرتسون جهانی شدن به گسترش نوعی از فرهنگ در سطح جهانی اشاره دارد. بنابراین در اینجا یک سؤال مهم به ذهن خطور می‌کند که چه چیز جهانی شده است؟ آیا جهانی شدن به یکدست شدن و همگون شدن بیشتر دنیا می‌انجامد؟ و اینکه آیا جهانی شدن فرایندی اجتناب‌ناپذیر است؟ در واقع بحث کلی ما رابطه بین جهانی شدن و هویت ملی است. شفر بر این باور است که جهانی شدن موجب همگون‌سازی می‌شود. جهانی شدن سرمایه، فرصت‌های شغلی، انتخاب مصرف و آزادی سیاسی را فراهم می‌سازد (شفر، ۲۰۰۳: ۱۱).

بیشتر ناظران بر این اعتقاد هستند که گسترش سرمایه‌گذاری، تجارت، تولید، فناوری و نهایتاً دموکراسی جهان را هر چه بیشتر همگون خواهد کرد. شفر دیدگاه‌های صاحب‌نظرانی همچون هلد و مک‌گرو، مک‌لوهان و گریدر را مؤید دیدگاه خود می‌داند (شفر، ۲۰۰۳: ۱۰).

در مواجهه با جهانی شدن، هویت ملی را می‌توان به‌عنوان منبعی تلقی کرد که تاریخ و سرنوشت را در جهت حفظ مردم یک سرزمین از فراموشی شخصی فراهم می‌سازد و ایمان جمعی را ترمیم می‌کند (اسمیت^۱، ۱۹۹۱: ۱۶۱). هم‌چنین هویت ملی پدیده چند وجهی است که در همه ارکان زندگی افراد جامعه حاضر است. به نظر تاملینسون:

جهانی شدن تجربه معمولی می‌تواند حفظ معنایی ثابت از هویت فرهنگی «محلی» (از جمله هویت ملی) را روز به روز دشوارتر کند، زیرا زندگی روزمره ما هرچه بیشتر با تأثیرها و تجربه‌هایی از جاهای دور سرچشمه گرفته‌اند، در هم تنیده می‌شود و تحت نفوذ آنها قرار می‌گیرد (تاملینسون، ۱۳۸۱: ۱۵۹).

به باور برخی از اندیشمندان هویت ملی تا حدودی به واسطه فرآیند جهانی شدن تضعیف می‌شود (تهرانیان^۲، ۱۹۹۸: ۲۱۱؛ لواشو^۳، ۲۰۰۲: ۵۱؛ کوهن و کندی^۴، ۲۰۰۰: ۳۵۵). این وضعیت تا اندازه‌ای به پدیده دو رگه شدن هویت باز می‌گردد. بخشی دیگر نیز به دلیل آن است که بر اثر به وجود آمدن سازمان‌های بین‌المللی گوناگون از قدرت دولت‌ها نسبت به گذشته کاسته می‌شود (لواشو، ۲۰۰۲: ۵۱؛ پراتون^۵، ۲۰۰۳: ۳۷). در واقع

1. Smith
2. Tehranian

3. Levashov
4. Cohen & Kennedy

5. Perraton

هویت دو رگه موجب چالش‌های مهمی برای بنا نهادن جامعه می‌شود. به بیان دیگر، این پدیده ما را به این سؤال می‌کشاند که چگونه در اجتماعی که افراد آن احساس چندگانه و شاید متعارض دارند، می‌توان پیوندهای اجتماعی عمیق و پایداری برقرار کرد در حالی که افراد آن اجتماع احساس چندگانه و شاید متعارض دارند؟ (شولت، ۱۳۸۲: ۲۲۶). بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که در فرآیند جهانی‌شدن هویت‌های ملی دستخوش تغییر و تزلزل می‌شوند.

برخی معتقدند که ضعف واحدهای سیاسی، گرایش به ارزش‌های فراملی و فروملی و دگرگونی در وفاداری‌ها و هویت‌ها نتیجه فرایند جهانی‌شدن است. جنبش‌های ناحیه‌گرا با بهره‌گیری از فناوری‌های نوین به تقویت تمایز هویت‌های متنوع فروملی و فراملی می‌پردازند که پیش از این به صورت سنتی از سوی دولت ملی مهار می‌شدند. در همین رابطه پوراحمدی بر این باور است که جهانی‌شدن گونه‌ای همسان‌سازی فرهنگی و هویتی را به دنبال داشته و زمینه جهت‌گیری‌ها و گرایش‌های جهانی فرهنگ یا فرهنگ واحد جهانی در ورای هویت‌های ملی رشد کرده و در نهایت بر آنها غالب می‌گردد (پوراحمدی، ۱۳۸۰: ۱۰).

مطالعات پیشین نشان‌دهنده آن بوده‌اند که فرایند جهانی‌شدن به‌عنوان شکل تشدید شده نوگرایی در هویت‌های شخصی و اجتماعی افراد تغییر ایجاد می‌کند. فرایند جهانی‌شدن با ارائه ارزش‌های متفاوت و بعضاً معارض با ارزش‌های بومی جوامع مختلف در بین اعضای جامعه و به‌ویژه جوانان و نوجوانان علامت سؤال در مورد علت وجودی ارزش‌های بومی ایجاد می‌کند. از آنجا که جوانان در پی ساخته و بر ساختن هویت شخصی و اجتماعی خویش هستند، این مسئله می‌تواند به کاهش اعتماد نسبت به ارزش‌های اجتماعی بومی در بین آنها منجر شود (خواجه‌نوری، ۱۳۸۵: ۱).

چنین به نظر می‌رسد که برای بررسی رابطه جهانی‌شدن و هویت ملی باید به بخشی از حوزه فرهنگ یعنی آنجا که هویت‌های مختلف توسط افراد ساخته می‌شود توجه نمود. این بخش از فرهنگ در واقع سبک‌های زندگی متفاوتی است که افراد با استفاده از عناصر مختلف فرهنگی مرتبط با فرهنگ بومی و فرهنگ سایر جوامع در اختیار دارند و برای ساختن هویت خودشان آگاهانه و یا ناآگاهانه به استخدام می‌گیرند. لذا مطالعه تجربی سبک‌های زندگی و شناخت اثرات آنها بر روی هویت ملی می‌تواند پرتوی تازه به روی مسئله تغییرات در حوزه هویت ملی بیفکند.



پرسش‌ها و فرضیه‌های تحقیق

۱. آیا بین جنسیت و هویت ملی رابطه وجود دارد؟
۲. آیا بین درآمد پدر و هویت ملی رابطه وجود دارد؟
۳. آیا بین سبک‌های فراغتی منفعلانه (غیراجتماعی) و هویت ملی رابطه وجود دارد؟
۴. آیا بین سبک‌های فراغتی فعالانه (اجتماعی) و هویت ملی رابطه وجود دارد؟
۵. آیا بین سبک‌های مذهبی و هویت ملی رابطه وجود دارد؟
۶. آیا بین سبک‌های مدیریتی بدن و هویت ملی رابطه وجود دارد؟
۷. آیا بین استفاده از فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی نوین و هویت ملی رابطه وجود دارد؟

در پاسخ به این پرسش‌ها، می‌توان فرضیه‌های زیر را مطرح کرد؟

۱. به نظر می‌رسد بین جنسیت و هویت ملی رابطه معنی‌داری وجود دارد.
۲. به نظر می‌رسد بین درآمد پدر و هویت ملی رابطه معنی‌داری وجود دارد.
۳. به نظر می‌رسد بین سبک‌های فراغتی منفعلانه (غیراجتماعی) و هویت ملی رابطه معنی‌داری وجود دارد.
۴. به نظر می‌رسد بین سبک‌های فراغتی فعالانه (اجتماعی) و هویت ملی رابطه معنی‌داری وجود دارد.
۵. به نظر می‌رسد بین سبک‌های مذهبی و هویت ملی رابطه معنی‌داری وجود دارد.
۶. به نظر می‌رسد بین سبک‌های مدیریتی بدن و هویت ملی رابطه معنی‌داری وجود دارد.
۷. به نظر می‌رسد بین استفاده از فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی نوین و هویت ملی رابطه معنی‌داری وجود دارد.

روش پژوهش

پژوهش حاضر مبتنی بر روش پیمایشی بوده و از پرسشنامه به‌عنوان ابزار پژوهش استفاده شده است. پرسشنامه تحقیق شامل سؤالاتی درباره رفتارهای عینی، ذهنی و ویژگی‌های فردی پاسخگویان بوده است. در سال تحصیلی ۸۸-۱۳۸۷ کل دانش‌آموزان دختر و پسر شهر شیراز برابر با ۵۲۸۲۸ نفر بود (سازمان آموزش و پرورش فارس، ۱۳۸۷). شیوه نمونه‌گیری تصادفی چند مرحله‌ای بود. بر اساس جمعیت هر ناحیه سهمی از نمونه به نواحی اختصاص یافت. سپس در هر ناحیه تعدادی از دبیرستان‌ها به‌طور تصادفی انتخاب و بر اساس جمعیت هر مدرسه نیز همچنان به نسبت پرسشنامه‌ها توزیع شدند.

حجم نمونه با استفاده از فرمول لین^۱ محاسبه شد (لین، ۱۹۷۸: ۴۴۶). نمونه‌گزینی با ضریب پایایی ± 5 ، ضریب اطمینان ۹۵ درصد و واریانس جمعیت ۵۰-۵۰ درصد (فرض بالاترین حد واریانس در جمعیت) برابر با ۳۸۴ نفر بود. اما چون ممکن بود در زمان جمع‌آوری اطلاعات برخی از پرسشنامه‌ها یا برگشت داده نشوند و یا مخدوش باشند، تعداد پرسشنامه‌ها به ۴۵۰ عدد رسید. از این میان ۴۳۵ پرسشنامه تکمیل شده عودت داده شد. سعی شد پرسشنامه‌ها به‌طور مساوی بین دانش‌آموزان دختر و پسر توزیع شود. انتخاب گروه ۱۴ تا ۱۷ سال از آن جهت بود که آنها از نوآوری‌ها و به‌ویژه فناوری‌های جدید اطلاعاتی و ارتباطی همچون اینترنت، تلفن همراه و ماهواره استقبال فراوانی می‌کنند. استفاده از این فناوری‌ها موجب می‌شود تا این گروه بیشتر تحت تأثیر فرایند جهانی‌شدن قرار گیرند.

تعریف مفاهیم

هویت ملی: هویت ملی اشاره به خصیصه‌های (عناصر و نمادها) متمایز یک گروه و احساس وفاداری به آن خصیصه‌ها دارد. دامنه وسیعی از خصیصه‌ها را می‌توان برای تمایز برشمرد که از آن میان سرزمین، دین و آیین، آداب و رسوم، تاریخ و زبان و ادبیات از مهم‌ترین عناصر محسوب می‌شوند. برای سنجش هویت ملی تعدادی گویه تهیه شد که در قالب طیف لیکرت به پاسخگویان ارائه گردید.

سبک زندگی: به باور گیدنز شیوه زندگی مجموعه‌ای کم و بیش جامع از عملکردهاست که فرد آنها را به کار می‌گیرد؛ چون، نه فقط نیازهای جاری او را برآورده می‌سازند، بلکه روایت خاصی را هم که وی برای هویت شخصی خود بر گزیده است در برابر دیگران متجسم می‌سازد (گیدنز، ۱۳۷۸: ۱۲۰). با مروری بر نظریه‌های سبک زندگی، فاضلی معتقد است که در سنجش سبک‌های زندگی توسط پژوهشگران مختلف شاخص‌های متنوعی به کار رفته است. وی این شاخص‌ها را به شرح زیر طبقه‌بندی کرده است: (۱) مصرف فرهنگی، (۲) فعالیت‌های فراغت، (۳) شاخص‌های پراکنده که شامل مدیریت بدن، الگوهای خرید، نام‌گذاری کودکان، رفتار خانوادگی، الگوی مصرف غذا می‌شود (فاضلی، ۱۳۸۲: ۱۲۷).

اگنیو و پترسون در مطالعه خود ۱۰ نوع فعالیت اوقات فراغت را از یکدیگر متمایز

1. Lin

ساخته‌اند که از میان آنها می‌توان به فعالیت‌های سازمان‌یافته (مانند فعالیت‌های مذهبی)؛ فعالیت‌های اجتماعی (قرار ملاقات، حضور در مهمانی‌ها، گفتگوی تلفنی، ملاقات دوستان، بازی با دوستان)؛ سرگرمی منفعلانه (گوش دادن به نوار موسیقی، مطالعه، رادیو، تلویزیون، سینما، کنسرت‌ها، رویدادهای ورزشی) و فعالیت‌های دیگر (مانند مسافرت، حضور در پارک، ...) اشاره کرد. چنین فعالیت‌هایی ممکن است همراه با دیگران یا به تنهایی باشد. حتی اگر این فعالیت‌ها با دیگران باشد، تمرکز بر روی تعاملات اجتماعی نبوده و بیشتر بر روی منبع خارجی سرگرمی همچون موسیقی یا تلویزیون متمرکز است (اگنیو و پترسون^۱، ۱۹۸۷: ۳۳۲).

در مطالعه حاضر با توجه به تقسیم‌بندی فاضلی و الهام از دیدگاه اگنیو، برای سبک زندگی شاخص‌های مختلفی در نظر گرفته شد که عبارتند از: (۱) سبک‌های فراغتی منفعلانه یا غیراجتماعی (گوش دادن به برنامه‌های رادیوهای داخلی و خارجی، مطالعه روزنامه‌ها و مجلات داخلی و خارجی، همچنین کتاب‌های غیردرسی، رفتن به سینما و تئاتر، استفاده از لوح فشرده و دیگر ابزارهای گوش دادن به موسیقی، گشت و گذار در خیابان‌ها، پاساژها، ... حضور در پارک‌ها و تفرج‌گاه‌ها و پرسه‌زدن بی‌هدف در خیابان‌ها؛ (۲) سبک‌های فراغتی فعالانه یا اجتماعی (مانند دید و بازدید از خویشاوندان، با دوستان بودن، مهمانی‌های دوستانه^۲ و مکالمه با دیگران؛ (۳) سبک‌های مذهبی (مانند رفتن به مسجد، و سایر فعالیت‌های مذهبی؛ (۴) سبک‌های مدیریتی بدن (ورزش تناسب اندام، بدن‌سازی، تمرین یوگا، آرایش مو و صورت، استفاده از وسایل ورزشی کاهش وزن) و (۵) استفاده از فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی نوین (همچون استفاده از رایانه، استفاده از اینترنت، مشاهده ماهواره، استفاده از پیامک، چت کردن و سایر فناوری‌های نوین).

یافته‌ها

در این بخش در ابتدا به بررسی یافته‌های تحقیق با استفاده از آماره‌های توصیفی می‌پردازیم و سپس با کمک تکنیک‌های آمار استنباطی به بررسی فرضیات تحقیق خواهیم پرداخت.

جدول شماره ۱ توزیع فراوانی و درصد گویه‌های مربوط به هویت ملی جوانان نشان می‌دهد. این طیف شامل ۱۸ گویه است که هر گویه هویت ملی جوانان را

1. Agnew & Petersen

2. Party

می‌سنجد. با توجه به درصدهای جدول، بیشترین میانگین متعلق به گویه «من به ایرانی بودنم عشق افتخار می‌کنم» با میانگین ۴/۳۶ است. همچنین کمترین میانگین متعلق به گویه «اوقات فراغت خود را با مطالعه تاریخ ایران پُر می‌کنم». با میانگین ۳/۰۹ است.

جدول شماره ۱: اطلاعات توصیفی متغیر وابسته (هویت ملی)

انحراف معیار	میانگین	بیشترین	کمترین	گویه‌های سازنده هویت ملی
۱/۴۳	۳/۳۵	۵	۱	زندگی در کشوری دیگر، ارجحیت دارد.
۰/۹۷	۴/۳۶	۵	۰	من به ایرانی بودنم عشق افتخار می‌کنم.
۱/۱۴	۴/۱۵	۵	۰	ترک، لر، فارس یا ... بودن مهم نیست؟ مهم این است که ایرانی هستیم.
۱	۴/۱۸	۵	۰	تاریخ ایران مایه افتخار و سربلندی من است.
۲/۵۲	۴/۲۰	۵	۰	من نسبت به مشکلات ایرانیان همدردی می‌کنم.
۰/۹۵	۴	۵	۰	به فراگیری زبان و ادبیات ایران عشق می‌ورزم.
۰/۹۵	۴/۲۵	۵	۰	اگر در جایی به ایرانی‌ها توهین شود، ناراحت می‌شوم.
۱/۴۰	۳/۷۵	۵	۱	ای کاش در سرزمین دیگری به دنیا آمده بودم.
۱/۲۱	۳/۵۵	۵	۰	به مطالعه آثار شخصیت‌های ملی علاقه‌مندم.
۱/۳۰	۴/۳۰	۵	۰	به برتری هوش و استعداد ایرانیان باور دارم.
۱/۰۴	۴/۲۱	۵	۰	به فارسی صحبت کردن خود می‌بالم.
۰/۹۰	۴/۲۳	۵	۰	به آداب و رسوم کشورم پایبندم.
۱	۴/۱۱	۵	۰	وجود و هستی من با ایرانی بودن من در هم آمیخته است.
۱/۰۹	۴/۰۹	۵	۰	چو ایران نباشد تن من مباد.
۲/۵۹	۴/۲۹	۵	۰	از کسانی که نسبت به ایران بی‌حرمتی کنند، بیزارم.
۱/۴۶	۳/۵۴	۵	۱	زندگی کردن در این کشور، مردن تدریجی است.
۱/۲۲	۳/۰۹	۵	۰	اوقات فراغت خود را با مطالعه تاریخ ایران پُر می‌کنم.
۱/۰۵	۴/۱۷	۵	۰	پرچم سه رنگ ایران نشانه هویت من است.

$$\alpha = 0/82$$

جداول شماره ۲ تا ۵ توزیع فراوانی رفتارهای پاسخگویان را در مؤلفه‌های مختلف سازنده سبک زندگی نشان می‌دهد. با توجه به جدول شماره ۲ (سبک‌های فراغتی

منفعلا نه) بیشترین میانگین (۱/۶۸) مربوط به استفاده از DVD، لوح فشرده موسیقی، MP3 player و پس از آن مربوط به میانگین گشت و گذار در خیابان‌ها، پاساژها و مانند آنها (۱/۵۳) بوده است. کمترین میانگین (۰/۶۳) نیز به گوش دادن به رادیوهای خارجی تعلق داشته است. جدول شماره ۳ به بررسی توزیع فراوانی سبک‌های فراغتی فعلا نه پرداخته است. بیشترین میانگین (۲/۶۷) در این جدول مربوط به استراحت کردن و سپس معاشرت با دوستان (۲/۳۳) بوده است. با توجه به جدول شماره ۵، بیشترین رفتار مربوط به صدقه دادن با میانگین (۳/۴۶) و سپس روزه گرفتن (۳/۲۱) و نماز خواندن (۳/۱۹) بوده است. کمترین رفتار نیز مربوط به نمازهای مستحبی (۱/۶۲) بوده است. جدول شماره ۵ نشان می‌دهد که در سبک مدیریت بدن، بیشترین میانگین (۱/۳) مربوط به آرایش مو و کمترین میانگین (۰/۵۸) مربوط به استفاده از وسایل کاهش وزن بوده است.

جدول شماره ۲: اطلاعات توصیفی متغیر سبک‌های فراغتی منفعلا نه

انحراف معیار	میانگین	بیشترین	کمترین	گویه‌های سازنده سبک‌های فراغتی منفعلا نه
۰/۹۱۶	۰/۶۳	۵	۰	گوش دادن به برنامه‌های رادیو (خارجی)
۰/۹۹۹	۰/۷۲	۵	۰	مطالعه روزنامه‌ها و مجلات خارجی
۰/۹۶۸	۱/۲۱	۵	۰	مطالعه روزنامه‌ها و مجلات داخلی
۱/۰۲۳	۰/۹۵	۵	۰	گوش دادن به برنامه‌های رادیو داخلی
۱/۰۸۴	۱/۴۴	۵	۰	مطالعه کتاب‌های غیردرسی
۱/۱۷۶	۱/۵۳	۵	۰	گشت و گذار در خیابان‌ها، پاساژها، ...
۱/۰۱۴	۱/۲۱	۵	۰	حضور در پارک‌ها و تفرج‌گاه‌ها
۱/۱۰۱	۰/۸۲	۵	۰	رفتن به سینما، تئاتر، ...
۱/۴۰۴	۱/۶۸	۵	۰	استفاده از لوح فشرده و ابزارهای گوش دادن به موسیقی
۱/۰۹۲	۰/۷۹	۵	۰	پرسه‌زدن بی‌هدف در خیابان‌ها

$$\alpha = 0.03$$

جدول شماره ۳: اطلاعات توصیفی متغیر سبک‌های فراغتی فعالانه

انحراف معیار	میانگین	بیشترین	کمترین	گویه‌های سازنده سبک‌های فراغتی فعالانه
۱/۲۱۵	۱/۸۷	۵	۰	دید و بازدید از خویشاوندان
۱/۲۹۰	۲/۳۳	۵	۰	با دوستان بودن
۱/۴۶۴	۲/۶۷	۵	۰	استراحت کردن
۱/۱۲۵	۱/۶۴	۵	۰	مکالمه با دیگران

$$\alpha = 0.54$$

جدول شماره ۴: اطلاعات توصیفی متغیر سبک‌های مذهبی

انحراف معیار	میانگین	بیشترین	کمترین	گویه‌های سازنده سبک‌های مذهبی
۱/۱۴۰	۱/۷۵	۵	۰	انجام فعالیت‌های مذهبی
۱/۳۴۶	۳/۴۶	۵	۰	صدقه جهت رفع قضا و بلا
۱/۵۸۹	۳/۱۹	۵	۰	نمازهای یومیه
۱/۴۰۲	۲/۴۹	۵	۰	قرائت قرآن در طول هفته
۱/۵۳۴	۲/۴۴	۵	۰	حضور در مجالس مذهبی
۱/۴۳۷	۲/۸۱	۵	۰	انجام کارهای روزانه براساس قوانین مذهبی
۱/۴۴۱	۲/۴۳	۵	۰	انفاق از پول توجیبی
۱/۳۶۷	۲/۷۰	۵	۰	رفتن به زیارتگاه‌ها
۱/۳۳۹	۳/۲۱	۵	۰	روزه گرفتن
۱/۴۴۹	۲/۴۸	۵	۰	گوش دادن به برنامه‌های مذهبی رادیو یا تلویزیون
۱/۶۳۰	۲/۵۲	۵	۰	مطالعه کتب دینی (به غیر از کتب درسی و قرآن)
۱/۵۱۹	۲/۱۶	۵	۰	رجوع به رساله‌های عملیه جهت امور روزمره زندگی خود
۱/۵۶۶	۱/۹۵	۵	۰	استخاره کردن
۱/۴۰۲	۳/۰۷	۵	۰	کمک به نیازمندان
۱/۴۵۵	۱/۶۲	۵	۰	نمازهای مستحبی مانند نماز شب، قفيله
۱/۶۲۶	۲/۴۵	۵	۰	نمازهای واجب و موردی مانند نماز آیات

$$\alpha = 0.91$$



جدول شماره ۵: اطلاعات توصیفی متغیر سبک‌های مدیریتی بدن

انحراف معیار	میانگین	بیشترین	کمترین	گویه‌های سازنده سبک‌های مدیریت بدن
۱/۱۲۶	۱/۲۲	۵	۰	ورزش تناسب اندام
۱/۰۹۱	۰/۷۹	۵	۰	بدن‌سازی
۰/۸۹۶	۰/۴۴	۵	۰	تمرین یوگا
۱/۳۰۸	۱/۳۰	۱۲	۰	آرایش مو
۰/۹۵۲	۰/۵۷	۵	۰	حرکات آروبیکی
۱/۱۰۰	۱/۱۳	۵	۰	آرایش صورت
۰/۹۵۳	۰/۵۸	۵	۰	استفاده از وسایل وزن کم کردن

$$\alpha = 0/06$$

جدول شماره ۶ تفاوت میانگین هویت ملی را براساس جنسیت می‌سنجد. همچنان‌که داده‌های جدول نشان می‌دهد، میانگین نمره زنان بیشتر از مردان است (۷۳/۴۵) بدین معنا که هویت ملی قوی‌تری در بین زنان وجود دارد. لذا رابطه معنی‌داری بین جنسیت و هویت ملی وجود دارد. مقدار T این جدول ($T = -2/67$) در سطح ۹۵ درصد اطمینان ($Sig = 0/008$) معنی‌دار می‌باشد.

جدول شماره ۶: تفاوت میانگین هویت ملی براساس جنسیت

متغیر مستقل	تعداد موارد	میانگین	مقدار T	سطح اطمینان
جنسیت	زن	۷۳/۴۵	-۲/۶۷	۰/۰۰۸
	مرد	۷۰/۲۳		

جدول شماره ۷ تفاوت میانگین هویت ملی را براساس درآمد پدر می‌سنجد. همچنان‌که داده‌های جدول نشان می‌دهد، رابطه معنی‌داری بین درآمد پدر و هویت ملی وجود دارد. مقدار F این جدول ($F = 2/41$) در سطح ۹۵ درصد اطمینان ($Sig = 0/036$) معنی‌دار می‌باشد.

جدول شماره ۷: تفاوت میانگین هویت ملی براساس درآمد پدر

منبع تغییرات	جمع مربع‌ها	میانگین مربع‌ها	مقدار F	سطح معنی‌داری F
درآمد پدر	آزمون بین گروهی	۱۷۱۰/۲۷۳	۲/۴۱	۰/۰۳۶
	آزمون درون گروهی	۵۳۹۰/۶۳۴		

جدول شماره ۸ نشان‌دهنده رابطه همبستگی بین انواع سبک‌های زندگی و هویت ملی در سطح حداقل ۹۵ درصد اطمینان می‌باشد. هم‌چنان‌که مشاهده می‌شود، سبک فراغتی منفعلانه (غیراجتماعی) با هویت ملی در این سطح دارای رابطه معنی‌دار نیست. اما سایر سبک‌های زندگی مطرح شده در جدول رابطه معنی‌دار داشته‌اند. در این میان تنها سبک مذهبی رابطه مثبت با هویت ملی داشته اما سایر سبک‌ها رابطه منفی داشته‌اند.

جدول شماره ۸: همبستگی بین سبک‌های فراغتی منفعلانه (غیراجتماعی) و هویت ملی

متغیر مستقل	هویت ملی	سطح معنی‌داری
سبک‌های فراغتی منفعلانه (غیراجتماعی)	-۰/۰۹۲	۰/۷۰
سبک‌های فراغتی فعالانه (اجتماعی)	-۰/۱۳۳	۰/۰۰۹
سبک‌های مذهبی	۰/۴۱۲	۰/۰۰۰
سبک‌های مدیریت بدن	-۰/۱۵۶	۰/۰۰۰
استفاده از فناوری‌های اطلاعاتی	-۰/۱۶۵	۰/۰۰۱

جدول شماره ۹ نتایج تحلیل رگرسیون چند متغیره را به شیوه مرحله به مرحله برای متغیر وابسته هویت ملی نشان می‌دهد. داده‌های جدول نشان‌دهنده آن هستند که از میان ۵ متغیر مستقل ابعاد مختلف سبک زندگی شامل سبک‌های فراغتی منفعلانه (غیراجتماعی)، سبک‌های فراغتی فعالانه (اجتماعی)، سبک‌های مذهبی، سبک‌های مدیریتی بدن و استفاده از فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی نوین، تنها دو متغیر سبک‌های مذهبی و سبک‌های مدیریتی بدن به ترتیب وارد معادله شده‌اند. این دو متغیر بر روی هم توانسته‌اند نزدیک به ۱۹ درصد از تغییرات متغیر هویت ملی را تبیین کنند.

جدول شماره ۹: متغیرهای وارد شده در معادله رگرسیون برای تبیین واریانس هویت ملی

متغیر	R	R ^۲	مقدار F	Sig F	Beta	T	Sig.T	مراحل ورود متغیرها
سبک‌های مذهبی	۰/۴۰۷	۰/۱۶۵	۶۹/۰۱۱	۰	۰/۴۰۷	۸/۳۰۷	۰	اول
سبک‌های مدیریتی بدن	۰/۴۳۳	۰/۱۸۸	۴۰/۱۲۱	۰	۰/۱۵۰	۳/۰۸۸	۰	دوم

بحث و نتیجه‌گیری

مطالعه حاضر با روش پیمایشی و با استفاده از ابزار پرسشنامه محقق شده که در آن به جمع‌آوری اطلاعات مربوط به دانش‌آموزان دختر و پسر دبیرستانی شهر شیراز پرداخته شده است. پس از مروری بر تحقیقات انجام شده قبلی و نظریات موجود درخصوص هویت ملی و رابطه آن با سبک زندگی جوانان، چارچوب نظری مستخرج از نظریه گیدنز انتخاب شد. برای سنجش فرضیات مستخرج از چارچوب نظری از تکنیک‌های آماری آزمون تی، تحلیل پراکنش یک‌طرفه، ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چند متغیره استفاده شد.

یافته‌های تحقیق نشان دادند که دخترها نسبت به پسرها هویت ملی قوی‌تری داشته‌اند. هم‌چنین درآمد پدر بر هویت ملی فرزندان اثر داشته است. سبک‌های فراغتی منفعلانه (همچون گوش دادن به رادیوهای خارجی، مطالعه روزنامه‌ها و مجلات خارجی، مطالعه کتاب‌های خارجی و مانند آنها) با هویت ملی دارای رابطه معنی‌دار نبوده است ولی در هر حال رابطه منفی بین این دو متغیر بوده است. اما سبک‌های فراغتی فعالانه (اجتماعی) با هویت ملی دارای رابطه معنی‌دار و منفی بوده‌اند. سبک‌های مذهبی با هویت ملی دارای رابطه مثبت بوده‌اند. کورت و عباس (۲۰۱۰: ۱۴۵)، جونز و اسمیت (۲۰۰۴: ۱۰۳) نیز در مطالعه خود بر نقش اثرگذار مذهب بر هویت ملی صحنه گذاشته‌اند. هم‌چنین سبک‌های مدیریتی بدن با هویت ملی دارای رابطه منفی و معنی‌دار بوده‌اند. از سوی دیگر استفاده از فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی نوین با هویت ملی دارای رابطه منفی معنی‌داری بوده‌اند. مطالعه خواجه‌نوری و مقدس (۱۳۸۵: ۴۵)، بشیریه (۱۳۷۹: ۲۸۷)، حافظ‌نیا و همکارانش (۱۳۸۵: ۱)، قاسمی‌یار (۱۳۸۳: ۱۴۳) نیز حاکی از تأثیرگذاری فناوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطی بر هویت‌های افراد بوده است. ویلر (۲۰۰۰: ۴۳۲) نیز در مطالعه خود بر نقش اثرگذار رسانه‌ها در هویت ملی تأکید داشته است. در نهایت مطالعه حاضر نشان داد که با حضور تمامی متغیرهای مستقل تنها دو متغیر سبک‌های مذهبی و سبک‌های مدیریتی بدن (به‌عنوان شاخصی از فرایند مدرنیته و جهانی‌شدن) توانسته‌اند در معادله قرار گرفته و نزدیک به ۱۹ درصد تغییرات متغیر هویت ملی را تبیین کنند.

از آنجا که هویت ملی ایران تحت تأثیر مذهب و گذشته تاریخی آن می‌باشد، سبک‌های زندگی مذهبی در جهت تقویت هویت ملی ایرانیان عمل می‌کنند، اما سبک‌های دیگر زندگی همچون مدیریت بدن، و سایر سبک‌ها به دلیل آنکه بیشتر تحت

تأثیر الگوهای جهانی و به‌خصوص غربی هستند، در جهت تضعیف هویت ملی و ایجاد هویت‌های فراملی و به‌ویژه جهانی می‌باشند. به نظر می‌رسد، با توجه به یافته‌های بالا، مسئولان سیاسی و فرهنگی می‌باید، ضمن تقویت روابط جوانان با فضاها و ارزش‌های مذهبی، بر فرهنگ بومی و سایر عناصر مربوط به تاریخ و تمدن ایران اسلامی تأکید بیشتری گذاشته تا ضمن جلوگیری از خودبیگانگی جوانان، آنها را وادار سازند تا نسبت به اخذ ویژگی‌های فرهنگی سایر جوامع، دست به انتخابی آگاهانه‌تر و مبتنی بر سنت‌های موجود در جامعه خودشان بزنند و از این طریق به بالندگی بیشتر فرهنگ بومی کمک کرده و هویت ملی جامعه خویش را نیز حفظ نمایند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

- ابادری، یوسف و حسن چاوشیان (۱۳۸۱): «از طبقه اجتماعی تا سبک زندگی، رویکردهای نوین در تحلیل جامعه‌شناختی هویت اجتماعی»، *نامه علوم اجتماعی*، س ۵، ش ۲۰، صص ۳-۲۷.
- احمدلو، حبیب و عماد افروغ (۱۳۸۱): «رابطه هویت ملی و هویت قومی در بین جوانان تبریز»، *فصلنامه مطالعات ملی*، ش ۱۳، پاییز ۱۳۸۱، صص ۱۰۹-۱۴۵.
- احمدلو، حبیب و احمد رضایی (۱۳۸۱): *بررسی رابطه میزان هویت ملی و هویت قومی در بین جوانان تبریز*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، تهران، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس.
- اردلان، اسعد (۱۳۷۹): «پدیده جهانی شدن و حقوق فرهنگی»، *فصلنامه سیاست خارجی*، س ۱۴، ش ۲، صص ۴۸۱-۴۹۵.
- اکبری، حسین و جلیل عزیزی (۱۳۸۶): «هویت ملی و عوامل مؤثر بر آن در میان دانش‌آموزان دوره متوسطه»، *فصلنامه رفاه اجتماعی*، س ۷، ش ۲۷، صص ۲۷۷-۲۹۸.
- الطایبی، علی (۱۳۸۲): *بحران هویت قومی در ایران*، تهران: شادگان.
- بشیریه، حسین (۱۳۷۹): «توسعه سیاسی و بحران هویت ملی، گفتگوی علمی»، مصاحبه کننده داریوش جهان‌بین، *فصلنامه مطالعات ملی*، س ۲، ش ۵، صص ۲۸۷-۳۱۵.
- پوراحمدی، حسین (۱۳۸۰): «فرایندهای جهانی شدن و چالش‌های مفاهیم در رخداد یازدهم سپتامبر»، *فصلنامه سیاست خارجی*، س ۱۵، ش ۴، صص ۱۰-۴۹.
- تاملینسون، جان (۱۳۸۱): *جهانی شدن و فرهنگ*، ترجمه محسن حکیمی، دفتر پژوهش‌های فرهنگی با همکاری مرکز بین‌المللی گفتگوی تمدن‌ها.
- توسلی، غلام‌عباس و یار محمد قاسمی (۱۳۸۱): «مناسبات قومی و رابطه آن با تحولات هویت جمعی»، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، دوره چهارم، ش ۴، صص ۳-۲۵.
- حافظ‌نیا، محمدرضا و دیگران (۱۳۸۵): «تأثیر جهانی شدن بر هویت ملی، مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه‌های دولتی شهر تهران»، *فصلنامه ژئوپلیتیک*، س ۲، ش ۳ و ۴، صص ۱-۲۱.
- حیدری، الله‌رحم (۱۳۸۳): *بررسی عوامل مؤثر بر رابطه هویت ملی و قومی، مطالعه موردی: شهرستان نورآباد ممسنی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز.
- خواجه‌نوری، بیژن (۱۳۸۶): «تأثیر فرایند جهانی شدن بر تقسیم کار خانگی، نمونه مورد مطالعه: زنان متأهل در شهرهای تهران، شیراز و استهبان»، *مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد*، س ۳، ش ۲، صص ۱-۲۳.
- ----- (۱۳۸۵): *بررسی رابطه مؤلفه‌های جهانی شدن و مشارکت اجتماعی زنان، مطالعه موردی: تهران، شیراز و استهبان*، پایان‌نامه دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز.
- خواجه‌نوری، بیژن و علی‌اصغر مقدس (۱۳۸۴): «جهانی شدن و تغییر هویت اجتماعی زنان، بررسی موردی در دو شهر شیراز و استهبان»، *مطالعات زنان*، س ۳، ش ۷، صص ۵-۳۲.
- ----- (۱۳۸۵): «جهانی شدن و مشارکت سیاسی زنان در ایران، نمونه مورد مطالعه: تهران، شیراز، استهبان»، *مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد*، س ۴، ش ۲، صص ۴۵-۷۱.

- (۱۳۸۷)؛ «جهانی‌شدن و سرمایه اجتماعی زنان»، *مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد*، س ۵، ش ۲، صص ۱۳۱-۱۵۴.
- (۱۳۸۸)؛ «رابطه بین تصور از بدن و فرایند جهانی‌شدن، مطالعه موردی زنان شهرهای تهران، شیراز و استهبان»، *جامعه‌شناسی کاربردی*، س ۲۰، ش ۱، صص ۱-۲۴.
- دوران، بهزاد (۱۳۸۷)؛ *هویت اجتماعی: رویکردها و نظریه‌ها*، تهران: جهاد دانشگاهی.
- ذکایی، سعید (۱۳۸۳)؛ جوانان و فراغت مجازی، *فصلنامه مطالعات جوانان*، ش ۶، س دوم، صص ۲۶-۴۵.
- رابرتسون، رولند (۱۳۸۲)؛ *جهانی‌شدن*، ترجمه کمال پولادی، تهران: ثالث.
- ربانی، علی و دیگران (۱۳۸۸)؛ «رابطه هویت ملی و قومی در بین دانشجویان آذری، کرد و عرب دانشگاه‌های دولتی»، *فصلنامه مطالعات ملی*، ش ۳۹، پاییز ۱۳۸۸، صص ۱۳۷-۱۵۸.
- رجایی، فرهنگ (۱۳۸۳)؛ *هویت ایرانیان امروز: ایفای نقش در عصر یک تمدن و چند فرهنگ*، چ ۲، تهران: نی.
- رزازی‌فر، اعظم (۱۳۷۹)؛ «الگوی جامعه‌شناختی هویت ملی در ایران: با تأکید بر رابطه میان هویت ملی و ابعاد آن»، *فصلنامه مطالعات ملی*، س ۲، ش ۵، صص ۱۰۱-۱۳۲.
- رضایی، احمد و دیگران (۱۳۸۶)؛ «گرایش به هویت ملی و قومی در ترکمن‌های ایران»، *فصلنامه مطالعات ملی*، س ۸، ش ۴، صص ۱۱۹-۱۴۰.
- شولت، جان آرت (۱۳۸۲)؛ *نگاهی موشکافانه بر پدیده جهانی‌شدن*، ترجمه مسعود کرباسیان، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- عبداللهی، محمد (۱۳۷۵)؛ «جامعه‌شناسی بحران هویت، مبانی عینی و ذهنی هویت جمعی در ایران و تأثیر آن بر دینامیسم مبادله فرهنگ ایران با جهان، *نامه پژوهش*، دوره ۱، ش ۱ و ۳، صص ۱۲۵-۱۶۱.
- عبداللهی، محمد و محمدعثمان حسین‌بر (۱۳۸۱)؛ «گرایش دانشجویان بلوچ به هویت ملی در ایران»، *مجله انجمن جامعه‌شناسی ایران*، دوره چهارم، ش ۴، صص ۱۰۱-۱۲۶.
- فاضلی، محمد (۱۳۸۲)؛ *مصرف و سبک زندگی*، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- فکوهی، ناصر و مجنون آموسی (۱۳۸۸)؛ «هویت ملی و قومی در کردستان ایران»، *مجله پژوهش جوانان*، فرهنگ و جامعه، ش ۲، بهار و تابستان، صص ۴۵-۷۵.
- قاسمی، یارمحمد (۱۳۸۳)؛ «بررسی میزان تعلق خاطر دانش‌آموزان دوره متوسطه به هویت ملی»، *پژوهش در مسایل تعلیم و تربیت*، ش ۱-۲ (پیاپی ۲۰-۱۹)، صص ۱۴۳-۱۷۲.
- گل‌محمدی، احمد (۱۳۸۳)؛ *جهانی‌شدن، فرهنگ، هویت*، چ ۲، تهران: نی.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۰)؛ *پیامدهای مدرنیته*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: مرکز.
- (۱۳۷۸)؛ *تجدد و تشخیص، جامعه و هویت شخصی در عصر جدید*، ترجمه ناصر موفقیان، تهران: نی.
- معینی‌علمداری، جهانگیر (۱۳۸۳)؛ «هویت، تاریخ و روایت در ایران»، در *ایران: هویت، ملیت، قومیت*، حمید احمدی، تهران: موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
- مقدس‌جعفری، محمدحسین و دیگران (۱۳۸۷)؛ «رابطه هویت ملی و هویت قومی در بین جوانان کُرد، مطالعه موردی: دانشگاه پیام‌نور سقز»، *فصلنامه مطالعات ملی*، س ۹، ش ۱، صص ۹۷-۱۲۶.



- میرمحمدی، داود (۱۳۸۳). *گفتارهایی درباره هویت ملی در ایران*، تهران: تمدن ایرانی.
- نواح، عبدالرضا و مجتبی تقوی نسب (۱۳۸۶)؛ «تأثیر احساس محرومیت نسبی بر هویت قومی و هویت ملی، مطالعه موردی: اعراب استان خوزستان»، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، دوره هشتم، ش ۲، تابستان، صص ۱۴۲-۱۶۳.
- هلد، دیوید و آنتونی مک‌گرو (۱۳۸۲)؛ *جهانی‌شدن و مخالفان آن*، ترجمه عرفان ثابتی، تهران: ققنوس.
- Agnew, Robert, & Petersen, David (1989); "Leisure and Delinquency", *Social Problems*, Vol. 36, No. 4, PP 332-350.
- Allain, Kristi. A (2010); "Kid Crosby or Golden Boy: Sidney Crosby, Canadian national identity, and the policing of hockey masculinity", *International Review for the Sociology of Sport*, published online 9 August 2010, sagepub.co.uk/journalsPermissions.nav DOI: 10.1177/1012690210376294http://irs.sagepub.com, PP 1-20.
- Bairner, Alan and Dong-Jhy Hwang (2010); "Representing Taiwan: International sport, ethnicity and national identity in the Republic of China", *International Review for the Sociology of Sport*, published online 12 August 2010, DOI: 10.1177/1012690210378460, sagepub.co.uk/journalsPermissions.nav, DOI: 10.1177/1012690210378460 http://irs.sagepub.com.
- Bonnie, Barber. L, Stone, Margaret. R., Hunt, James. E., & Eccles, Jacquelynne. S. (2005); "Benefits of activity participation: The roles of identity affirmation and peer group norm sharing", In J. L. Mahoney, R. W. Larson, & J. S. Eccles (Ed.), *Organized activities as contexts of development*, Mahwah, New Jersey: Lawrence Erlbaum Associates, Publishers. PP 185-210
- Bar-Tal, Daniel and Ohad, David, (2009); "A Sociopsychological Conception of Collective Identity: The Case of National Identity as an Example", *Personality and Social Psychology Review*, Vol. 13, No 4, PP 354-379.
- Beeden, Alexandra and Joost de Bruin (2009); "The Office: Articulations of National Identity in Television Format Adaptation", *Television New Media*, Vol. 11, No. 1, PP 3-20.
- Berger, Stefan (2009); "On the Role of Myths and History in the Construction of National Identity in Modern Europe", *European History Quarterly*, Vol. 39, No. 3, PP 490-502.
- Berry, John.W. (2008); "Globalisation and acculturation", *International Journal of Intercultural Relations*, Vol. 32, Issue 4, PP 328-336.
- Bourdieu, Pierre (1984); *Distinction*, London: Routledge and Kegan Paul.
- Caldwell, Linda. (2005); "Recreation and youth development", In P. A. Witt, & L. L. Caldwell (Eds.), *Recreation and youth development* (PP 169-192), State College, PA: Venture Publishing, PP 169-192.
- Cohen, Robin, Paul Kennedy (2000); *Global Sociology*, London: Macmillan Press LTD, P 355.
- Court, Deborah and Randa Abbas (2010); "Role of Druze high schools in Israel in shaping students' identity and citizenship", *Education, Citizenship and Social Justice*, Vol. 5, No. 2, PP 145-162.
- Doppen, Frans. H. (2010); "Citizenship education and the Dutch national identity debate", *Education, Citizenship and Social Justice*, Vol. 5, No. 2, PP 131-143.
- Dworkin, Jodi. B., Larson, John, & Hansen, David (2003); Adolescents' accounts of growth experiences in youth activities. *Journal of Youth and Adolescence*, 32, PP 17-26.



- Edwards, Michael. & Sen, Gita (2004); "NGOs, Social Change and the Transformation of Human Relationships: A 21st-Century Civic Agenda", *Social ch. Pdf*, M.Edwards@fordfound.org, < http://www.futurepositive.org/docs/social.pdf>. PP 1-25.
- Ezell, Elizabeth. D., Seeleib-Kaiser, Martin and Edward A. Tiryakian (2003); "National Identity Issues in the New German Elites: A Study of German University Students", *International Journal of Comparative Sociology*, Vol. 44, No. 4, PP 280-308.
- Giddens Anthony. (2001); "Dimensions of Globalization" in *The New Social Theory Reader: Contemporary Debates*, Eds. Steven Seidman & Jeffrey C. Alexander, London: Routledge.
- Haggard, Lois. M., & Williams, Dan. R. (1991); "Self-identity benefits of leisure activities", In: B. L Driver, P. J. Brown & G. L. Peterson (Eds.), *Benefits of leisure*, Stat College, PA: Venture Publishing, Inc, PP 103-120.
- ----- (1992); "Identity affirmation through leisure activities: Leisure symbols of the self", *Journal of Leisure Research*, 24, PP 1-18.
- Hongladarom, Soraj (2002); "The Web of time and the dilemma of globalization", *The Information Society*, 18: PP 241-249.
- Jones, Frank. L. & Smith, Philip. (2001); "Individual and Societal Bases of National Identity: A Comparative Multi-Level Analysis", *European Sociological Review*, Vol. 17, No.2,PP: 103-118.
- Kivel, Beth. D. & Kleiber, Douglas. A. (2000); Leisure in the identity formation of lesbian/gay youth: Personal, but not social. *Leisure Sciences*, 22, PP 215-232.
- Langman, Lauren. (2003). "Culture, Identity and Hegemony: The Body in a Global Age", *Current Sociology*, Vol. 51, No. 3/4, PP 223–247
- Levashov, Viktor. (2002); "Globalization and public security", *Social Science*, Vol. 33, Issue 4, PP 51-61.
- Lin, Nan (1978); *Foundations of Social research*, New York: McGraw Hill, P 446.
- Munson, Wayne. W. & Widmer, Mark. A. (1997); "Leisure behavior and occupational identity in university students", *The Career Development Quarterly*, 46, PP 190-198.
- Perraton, Jonathan. (2003); "The Scope and Implications of Globalisation", in: *The Handbook of Globalization*, Jonathan Micie (ed)., Cheltenham: Edward Elgar, PP 37-60
- Prevos, Peter (2004); *Cultural identity, function of social science*, Sydney: Maquarie University.
- Quenza, Carlos José Parales (2009); "National Identity, Anomie and Mental Health in Latin America" *Current Sociology*, Vol. 57, No. 6, PP 851-870.
- Rodriguez, Liliana, Seth J. Schwartz and Susan Krauss Whit Bourne (2010); "Ethnic, and Personal Identity in a Multiethnic Sample of Emerging, American Identity Revisited: The Relation Between National Adults", *Journal of Adolescent Research*; Vol. 25, PP 324-349
- Sasaki, Masamichi (2004); "Globalization and National Identity in Japan", *International Journal of Japanese Sociology*, No. 13, PP 69-87.
- Schaeffer, Robert. K. (2003); *Understanding Globalisation: The Social Consequences of Political, Economic, and Environmental Change*, Lanham: MD.
- Sewpaul, Vishanthie (2009); "On national identity, nationalism and Soccer 2010: Should social work be concerned?", *International Social Work*, Vol. 52, No. 2, PP 143-153.

- Shaw, Sue. M., Kleiber, Douglas. A. & Caldwell, Linda. L. (1995); "Leisure and identity formation in mal and female adolescents: A preliminary examination". *Journal of Leisure Research*, 27, PP 245-263.
- Sklair, Leslie. (1999); "Competing conception of globalization", *Journal of World Systems Research*, Vol. 2, PP 143-163.
- Smith, Anthony. (1991); *National Identity*, Reno: University of Nevada Press.
- Tehranian, Katharine. K. (1998); "Global communication and pluralization of identities", *Futures*, Vol. 30, No. 2/3, PP 211-217.
- Turner, Jonathan.H. (2003); *The Structure of Sociological Theory*, USA: Wadsworth.
- Wheeler, David. (2000); "New media, globalization and Kuwaiti national identity", *The Middel East Journal*, Vol. 54, Issue 3, PP 432-444.
- Youngelson , Helen, Arthur, G. Neal and Jacob Fried, (2001); "Global and local culture in the 21st century", *Journal of American & Comparative Cultures*, 24, No. 3/4, PP 31-36.

